

بررسی اهم مقاتل واقعه کربلا: قسمت پنجم

# عهد قاجاری و مطالب انتقادبرانگیز

## در مفصل ترین مقتل



سعید طاووسی مسرور  
عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

در مسیری که در آشنایی با مهم ترین مقاتل و آثاری که متضمن بحث از واقعه عاشورا هستند، اعم از مقدمات واقعه، خود واقعه و مؤخرات آن - طی کردیم به دوره قاجاری می‌رسیم که دوره‌ای بسیار مهم است. در این دوره از حیث کمیت، متون بسیار زیادی تولید شده‌اند اما از حیث کیفیت می‌توانیم بگوییم که برخلاف رشد کمی، شاهد افت کیفی متون در دوره قاجار هستیم. البته به این نکته باید به صورت نسبی نگاه شود، چرا که در این دوره آثار خوب و قابل دفاع و ارزشمندی هم نوشته شده‌اند. از سوی دیگر آثاری هم که استحکام تاریخی آنها پایین است یا حاوی مطالب شبهه‌ناک است که با گزارش منابع اولیه فاصله دارد، دیده می‌شود. حتی در برخی منابع گزاره‌هایی، اخبار عجیب و غریب و آمار و ارقام غیرقابل پذیرش به چشم می‌خورد. یک نکته کلی که در مورد مقاتل دوره قاجار باید گفته شود، این است که در آن دوره به مساله عاشورا به مثابه یک مصیبت عظیم و بحث‌گره و عزاداری و زاری بسیار توجه می‌شود و این مساله حتی در عنوان مقتل های این دوره خود را نشان می‌دهد. مثلا کلماتی مثل اشک، حزن... در اسامی کتاب‌ها به کار می‌رود، برای نمونه می‌توان به «مهیج الاحزان» - یعنی بنیاست حزن مردم را تهییج کند- یا «طوفان البکاء» - که طوفان گریه‌هاست- یا «فیض الدموع» اشاره کرد که در عنوان شان از چنین تعبیرات و ترکیباتی در عنوان آنها استفاده شده است.

شاید مهم ترین متن از حیث تاثیرگذاری بر مجالس مذهبی و استقبال شدن از آن و همین طور خوانده شدن آن و همچنین مورد نقد قرار گرفتن آن تا امروز، کتاب «اسرار الشهداء» از فاضل دربندی باشد.

نوع نگارش این کتاب به شکلی است که بعضا مطالب عجیب و غریبی دارد و نمونه‌هایی ذکر شده که واقعا نمی‌توان با آن همراهی کرد یا آن را حمله بر صحت یا توجیه کرد. ای بسا بعضی از این مطالب برای مخاطب عام در آن دوره بسیار جذاب بوده اما هرچه جلوتر آمدیم نقدهای زیادی را در پی داشته‌اند. از مهم ترین کسانی که منتقد این کتاب هستند می‌توان به محدث نوری در کتاب «لؤلؤ و مرجان» و استاد مرتضی مطهری در کتاب «حماسه حسینی» اشاره کرد. اگر بخواهیم قدری با مولف آشنا بشویم باید بگوییم عالم و فاضل دوره قاجار فاضل دربندی، در حدود ۱۲۰۸ هجری قمری در دریند از توابع شیروان خراسان به دنیا آمده و در ۱۲۸۶ هجری قمری یعنی در اواسط دوره ناصری در تهران از دنیا رفته است. لذا نباید فکر کنیم که ایشان اهل دربند تهران بوده است.

مطلب دیگر اینکه ایشان به فاضل دربندی و ملافاق دربندی مشهور است و در عتبات درس خوانده و از اساتیدش می‌توان به شریف‌العلماء مازندرانی در کربلا اشاره کرد. سپس به نفع رفته و پای درس شیخ علی کاشف‌الغطاء - فرزند شیخ جعفر کاشف‌الغطاء - تحصیل کرده است. او سال‌ها در عتبات عالیات به تحقیق و تدریس و تربیت شاگردان مشغول بوده است اما با تألیف کتاب «اسرار الشهداء» می‌توان گفت به یکی از شخصیت‌های مؤثر در تاریخ مجالس و آیین‌های عزاداری تبدیل شده است. مطالبی در مورد اهتمام وی به عزاداری گفته شده مانند اینکه نوع مجالس و روضه‌های ایشان معروف بوده است. یکی از مسائلی که درباره ایشان توسط عبدالله مستوفی در کتاب «شرح زندگانی من» مطرح شده، رواج دادن قهقهه زنی در ایران در عهد ناصری است. حضور ایشان در تهران اساسا به دعوت ناصرالدین شاه بوده که در اواخر عمر فاضل دربندی هم صورت گرفته است و عرض شد که اواسط دوره ناصری از دنیا رفته است. در مورد مجالس او گفته شده که در بالای منبر از شدت گریه غش می‌کرد و در روز عاشورا لباس خود را از تن بیرون می‌آورد و لنگی می‌بست و خاک بر سر می‌ریخت و گل بر بدن می‌مالید و با همان سر و شکل به منبر می‌رفت. اینگونه رفتارها مورد استقبال عزاداران و الگویی برای سایر روضه‌خوانان بوده است. نکته جالب توجهی که در مورد فاضل دربندی شاید کمتر مورد دقت قرار گرفته این

است که ایشان در مواظ و مجالس روضه‌اش، شروع به نقد حکومت ناصری و اعضای حکومت می‌کند، که موجب خشم ناصرالدین شاه می‌شود و او را در اثر این قضیه به کرمانشاه تبعید می‌کند. وقتی از دنیا می‌رود بنابر سنت رایج دوره قاجار - پیکرش را به عتبات حمل کرده و در حرم امام حسین (ع) دفن می‌کنند. کتاب «اکسیرالعبادات فی اسرار الشهداءات» معروف به «اسرار الشهداء» مهم ترین و شناخته شده ترین کتاب دربندی است در صورتی که کتاب‌هایی در علوم حوزوی مثل «خزائن الاصول»، «خزائن الاحکام» و «قومیس القواعد» داشته است که هیچ کدام به شهرت این کتاب اسرار الشهداء نیست. البته این کتاب تنها اثر فاضل دربندی در موضوع عاشورا نیست بلکه آثار دیگری مثل «سرمایه ایمان»، «جواهر الايقان» و همین طور «سعادات ناصری» هم از تالیفات او در باب عاشورا است. در مورد کتاب اسرار الشهداء باید گفت که این کتاب مفصل ترین مقتلی است که تا به امروز نوشته شده و خود همین تفصیل چه بسا موجب شده حجم مطالب بی اعتبار و مورد اشکال در آن رو به فزونی بگذارد. کتاب به زبان عربی نوشته شده و ۱۲ مقدمه، ۴۴ مجلس و یک خاتمه دارد. تألیف این کتاب در سال ۱۲۷۲ هجری قمری - یعنی ۸ سال بعد از آغاز سلطنت ناصرالدین شاه در ایران - تمام شده است. در این کتاب گزارش مفصلی از عاشورا و وقایع بعد از آن آمده که این گزارش هم داستانی است و در کنار آن انواع مطالب اعتقادی، روایی، کلامی درباره مقام اهل بیت (ع) و امام حسین (ع) و مطالبی در مورد اهمیت عزاداری و اهمیت زیارت، ذکر شده است. نکته دیگر اینکه این کتاب از یک نظر مورد استقبال زیادی واقع شده و از یک نظر هم اشکالات زیادی به آن وارد شده است. نوع مطالب به گونه‌ای بوده که مثلا محدث نوری این کتاب را مایه طعن و استهزا و تمسخر مذهب توسط مخالفان دانسته است. مطالبی از این جنس که تعداد کشته‌های دشمن در روز عاشورا به هزاران نفر برسد و در توجیه آن گفته شود که روز عاشورا ۷۲ ساعت بوده است، مطالب عجیبی است که استاد محمد اسفندیاری از آنها تعبیر به گزاره‌گویی کرده است، باعث آن قضاوت محدث نوری نیز شده است.

بخش های پایانی کتاب اسرار الشهداء توسط خود دربندی به فارسی ترجمه شده که همان کتاب «سعادات ناصری» است که به آن اشاره کردم. این کتاب به ناصرالدین شاه تقدیم شده است. متن کامل کتاب توسط حسین شریعتمدار تبریزی به درخواست حسین پاشاخان امیربهدار در همان دوره قاجار به فارسی ترجمه شده که عنوان آن «انوار السعاده فی اسرار الشهداء» است. خود



این ترجمه هم در استفاده از این کتاب و رواج بیشتر آن در میان روضه خوانان مؤثر بوده است، چون متن اصلی عربی بوده و طبعاً هرکسی نمی‌توانسته به آن مراجعه کند.

از مسائلی که در کتاب مورد اشاره قرار گرفته و انتقادات زیادی برانگیخته، می‌توان نمونه‌هایی ذکر کرد. کیفیت خروج امام حسین (ع) و خاندانش از مدینه با ۴۰ محمل حریر و دیباج - یعنی ابریشمین - همانند حاکمان و پادشاهان، وصف شده است. لشکر عمر سعد در جایی یک میلیون و شصت هزار نفر و در جایی ۴۶۰ هزار نفر ذکر شده که امام حسین (ع) ۳۳۰ هزار نفر از آنها را به تنهایی می‌کشد و ۲۵ هزار نفر به دست حضرت عباس اثر فاضل دربندی در موضوع عاشورا نیست بلکه آثار دیگری مثل «سرمایه ایمان»، «جواهر الايقان» و همین طور «سعادات ناصری» هم از تالیفات او در باب عاشورا است. در مورد کتاب اسرار الشهداء باید گفت که این کتاب مفصل ترین مقتلی است که تا به امروز نوشته شده و خود همین تفصیل چه بسا موجب شده حجم مطالب بی اعتبار و مورد اشکال در آن رو به فزونی بگذارد. کتاب به زبان عربی نوشته شده و ۱۲ مقدمه، ۴۴ مجلس و یک خاتمه دارد. تألیف این کتاب در سال ۱۲۷۲ هجری قمری - یعنی ۸ سال بعد از آغاز سلطنت ناصرالدین شاه در ایران - تمام شده است. در این کتاب گزارش مفصلی از عاشورا و وقایع بعد از آن آمده که این گزارش هم داستانی است و در کنار آن انواع مطالب اعتقادی، روایی، کلامی درباره مقام اهل بیت (ع) و امام حسین (ع) و مطالبی در مورد اهمیت عزاداری و اهمیت زیارت، ذکر شده است.

نکته دیگر اینکه این کتاب از یک نظر مورد استقبال زیادی واقع شده و از یک نظر هم اشکالات زیادی به آن وارد شده است. نوع مطالب به گونه‌ای بوده که مثلا محدث نوری این کتاب را مایه طعن و استهزا و تمسخر مذهب توسط مخالفان دانسته است. مطالبی از این جنس که تعداد کشته‌های دشمن در روز عاشورا به هزاران نفر برسد و در توجیه آن گفته شود که روز عاشورا ۷۲ ساعت بوده است، مطالب عجیبی است که استاد محمد اسفندیاری از آنها تعبیر به گزاره‌گویی کرده است، باعث آن قضاوت محدث نوری نیز شده است.

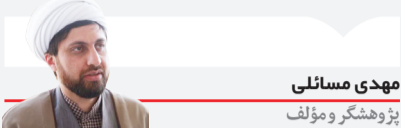
بخش های پایانی کتاب اسرار الشهداء توسط خود دربندی به فارسی ترجمه شده که همان کتاب «سعادات ناصری» است که به آن اشاره کردم. این کتاب به ناصرالدین شاه تقدیم شده است. متن کامل کتاب توسط حسین شریعتمدار تبریزی به درخواست حسین پاشاخان امیربهدار در همان دوره قاجار به فارسی ترجمه شده که عنوان آن «انوار السعاده فی اسرار الشهداء» است. خود

در دولت دهم، زمانی که بنا بود ترجمه «اسرار الشهداء» بازنشر شود، کسی که در ممیزی کتاب و بخش آثار تاریخی مسئولیت داشت یکی از دوستان بنده بود و من از او سوال کردم که شما چرا چنین مجوزی برای نشر این کتاب دادید و ایشان گفت بنده نشر این کتاب را تایید نکردم اما بعدا خودم با این مساله مواجه شدم که بدون امضای من هم این کتاب به چاپ رسیده است. ظاهرا دست‌هایی در کار است که به اسم دفاع از مجالس حسینی و تقویت و توسعه آنها، هرگونه متنی از جمله این متن، به فارسی رواج پیدا کند و جای تاسف است که برخی آثار شاخص و برخی آثار پژوهشی به حاشیه رفته و دیده نمی‌شوند و مورد رجوع قرار نمی‌گیرند.

### یادداشت

معرفی چهار تلقی مؤثر

## ریشه‌های فکری انحرافات عزاداری



مهدی مسالنی  
پژوهشگر و مؤلف

عزاداری امام حسین (ع) وسیله‌ای برای ارتباط همیشگی و عمومی مسلمانان با نهضت حسینی (ع) است. افزون بر این، مراسم عزاداری یک برنامه تبلیغی مؤثر در مذهب تشیع به‌شمار می‌آید ولی گاهی رفتارهایی انحرافی در عزاداری امام حسین (ع) داخل می‌شوند که آن را از اهداف خود دور کرده و یک سوءتبلیغ برای مذهب تشیع به‌شمار می‌آیند. انحرافات عزاداری را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد.

۱. رفتارهایی که با قطع نظر از عزاداری بودن شان، حرام فقهی و گناه و معصیت هستند، اما چون داخل عزاداری شده‌اند نسبت به آنها سکوت شده و حتی صورت نیکویی پیدا کرده‌اند.

۲. رفتارهایی که عنوان عزاداری ندارند و آنها را نمی‌توان یک عزاداری شرعی یا عرفی دانست، اما عده‌ای آنها را در عزاداری وارد کرده و می‌کنند. ۳. رفتارهایی که شاید به خودی خود حرام و معصیت نباشند ولی انجام آنها در مجلس عزاداری امام حسین (ع) در شأن این مجلس نیست و موجب هتک حرمت آن می‌شوند.

گسترش چنین رفتارهایی در عزاداری، چهره دینی و معنوی آن را مخدوش می‌کند و موجب می‌شود شیعیان عزادار به جای دنبال‌روی از متن عاشورا، درگیر حواشی آن شوند.

اما انحرافات عزاداری معلول افکار و نگاه‌های خاصی به عاشورا و عزاداری است که تا آن علت‌ها اصلاح نشود، نمی‌توان این انحرافات را از عزاداری امام حسین (ع) زدود. از این رو شناخت و مقابله با ریشه‌های فکری انحرافات عزاداری، اهمیت بیشتری از خود انحرافات عزاداری دارد. در تحلیلی می‌توان موارد زیر را از مهم ترین ریشه‌های فکری این انحرافات عزاداری دانست.

**الف) اشتباه در تفسیر کیفیت و درجه عزاداری**  
امروز بعضی از شیعیان بالا رفتن کیفیت و درجه عزاداری را به تن‌آزاری و زجر بیشتر بدن تفسیر می‌کنند. این درحالی است که در نگاه روایی، معیار کیفیت عزاداری به معرفتی است که برای افراد ایجاد می‌کند، یعنی هرچه عزاداری معرفت و آگاهی بیشتری برای افراد ایجاد کند، کیفیت بهتری دارد. از این رو در روایات تأکید فراوانی بر گریه بر مصائب امام حسین (ع) شده است، به گونه‌ای که می‌توان گریه را مصداق اصلی عزاداری دانست. از خصوصیات مهم گریه، افزایش محبت و به تبع آن، ایجاد ارتباط معرفتی با نهضت عاشورا است.

اساد در زمان کنونی معیار کیفیت عزاداری تغییر کرده است. ارتباط قلبی و معرفتی با نهضت عاشورا معیار برتری آن را به نمایش نمی‌گذارد، بلکه خشونت و تن‌آزاری و نمایش ظاهری آن، ملاک کیفیت عزاداری شده است. برای بسیاری از شیعیان، عزاداری هرچه خشن‌تر باشد ثواب بیشتری دارد. ممکن است درباره بعضی مصادیق خشونت در عزاداری، همچون قهقهه زنی در جامعه شیعه اختلاف‌نظر فقهی وجود داشته باشد و بعضی به خاطر وهن آمیز بودن آنها یا حکم رهبری از چنین رفتارهایی پرهیز کنند، اما عده‌ای هم نه. امروز بیشتر سینه‌زنان کیفیت سینه‌زنی را بر اساس آهنگ و شدت آن تعریف می‌کنند. آنها فکر می‌کنند هرچه دست‌ها محکم‌تر بر سینه‌ها فرود آید، سینه‌زنی بهتری صورت گرفته است و از آن بهتر اینکه عزاداران هنگام سینه‌زنی لخت شوند تا سینه آنها سرخ یا کیود شود. در مراسم عزاداری این ضربه‌های محکم سینه‌زنان است که مداح را به شوق می‌آورد و موجب ستایش سینه‌زنی می‌شود. فراتر از این، صورت‌های خراشیده گاهی نشانگر آن است که افراد به لایه بالاتری از عزاداری دست یافته‌اند.

حقیقت اینکه امروز بسیاری از افراد، عزاداری را ابزاری برای زجر و سختی دادن به بدن می‌بینند تا از رهگذر آن در مصیبت‌های وارد بر امام حسین (ع) و شهدای کربلا شریک شوند و با آنها مواسات و همدردی کنند.

**ب) هدف دانستن عزاداری (عزاداری برای عزاداری)**  
بعضی شیعیان قصد و هدفی برای عزاداری ندارند و حتی طرح بحث درباره اهداف عزاداری را نیز انحراف تلقی می‌کنند. از دیدگاه آنها تنها آخرخط همین جاست، بلکه تمام دین‌داری به عزاداری ختم می‌شود. به دیگر سخن، تمام برنامه‌های عبادی، اجتماعی، سیاسی، اعتقادی و همه امور زندگی بر مبنای عزاداری پایه‌گذاری شده است و تمام

معنویت و کمال انسانی در انجام عزاداری دیده می‌شود؛ زیرا این افراد می‌پندارند: «اِنَّ الدنیا و ما خلق لاجل اقامه عزاء الحسین (ع)؛ دنیا و هر آنچه خلق شده برای عزاداری امام حسین (ع) است.» هنگامی که عزاداری تبدیلی به هدف شود، به جای رشد کمالی و عمودی، رشد سطحی و افقی پیدا می‌کند. از همین رو عزاداران به جای عمق بخشیدن به عزاداری‌ها و پربزرگ کردن معرفت عاشورایی، تنها در آن تنوع ایجاد می‌کنند و روزبه‌روز صورت‌های جدیدی بر آن می‌افزینند.

**ج) جدا دانستن عزاداری از سایر مناسک دینی**  
میان بعضی از شیعیان این تلقی هست که عزاداری از سایر مناسک و رفتارهای دینی جداست و حتی بعضی فکر می‌کنند نتایج و بهره عزاداری امام حسین (ع) برای آن حضرت است و ایشان پاداش و جزای آن را می‌دهد. عنوان «دستگاه امام حسین (ع)» عنوان رایجی است که برای این تلقی به کار می‌رود آن گونه که گویا عزاداری متعلق به دستگاه امام حسین (ع) است و نماز و روزه و حج و... متعلق به دستگاه خداست. شهید مطهری در تبیین انحرافات ناشی از این طرز تلقی می‌گوید: «... در دستگاه امام حسین (ع) این حرف‌ها مانعی ندارد. دستگاه امام حسین علیه‌السلام از دستگاه دیگران جداست. اگر اینجا دروغ گفتی، بخشیده است؛ جعل کردی، بخشیده است؛ تحریف کردی، بخشیده است؛ شیهه‌سازی کردی، بخشیده است؛ به تن مرد لباس زن کردی، بخشیده است؛ هر گناهی که اینجا کردی، بخشیده است. هدف خیلی مقدس است. در نتیجه افرادی در این قضیه دست به جعل و تحریف زده‌اند که انسان تعب می‌کند... این موضوع که دستگاه حسینی یک دستگاه جدایی است و از هر وسیله‌ای برای گریبانند می‌شود استفاده کرد، این خیال، این توهم دروغ و غلط، یک عامل بزرگی شد برای جعل و تحریف.» (مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۹۲) حقیقت اینکه جدایی دستگاه امام حسین (ع) و دستگاه خدا با «الهیات عزاداری» مخالفت دارد و گاهی در صورت علم و آگاهی، آن را به مراتب «شرک» می‌کشاند. شهید در تبیین این موضوع نیز می‌گوید: «... اگر میان مسلمانان هم کسی چنین معتقد شود که در کنار دستگاه سلطنتی بوبنی، سلطنتی دیگر هم وجود دارد و در مقابل آن دست در کار است، چیزی جز شرک نخواهد بود. اگر کسی گمان کند که تحصیل رضا و خشنودی خدای متعال راهی دارد و تحصیل رضا و خشنودی فرضا امام حسین (ع) راهی دیگر دارد و هر یک از این دو، جداگانه ممکن است سعادت انسان را تأمین کند، دچار ضلالت بزرگی شده است. در این پندار غلط چنین گفته می‌شود که خدا با چیزهایی راضی می‌شود و امام حسین (ع) با چیزهایی دیگر؛ خدا با انجام دادن واجبات مانند نماز، روزه، حج، جهاد، زکات، راستی، درستی، خدمت به خلق، بر به والدین و امثال اینها و با ترک گناهان از قبیل دروغ، ظلم، غیبت، شراب‌خواری و زنا راضی می‌شود ولی امام حسین (ع) با این کارها کاری ندارد؛ رضای او در این است که مثلا برای فرزند جوانش علی اکبر (ع) گریه یا لااقل تباکی کنیم؛ حساب امام حسین از حساب خدا جداست. به دنبال این تقسیم چنین نتیجه گرفته می‌شود که تحصیل رضای خدا دشوار است؛ زیرا باید کارهای زیادی را انجام داد تا او راضی شود؛ ولی تحصیل خشنودی امام حسین (ع) سهل است؛ قضاوت گریه و سینه‌زنی؛ و زمانی که خشنودی امام حسین (ع) حاصل شود او در دستگاه خدا نفوذ دارد، شفاعت می‌کند و کارها را درست می‌کند؛ حساب نماز و روزه و حج و جهاد و انفاق فی سبیل‌الله که انجام نداده‌ایم همه تصفیه می‌شود و گناهان هرچه باشد با یک فوت از بین می‌رود!... امام حسین (ع) کشته نشد برای اینکه -العیاذ بالله- دستگاہی در مقابل دستگاه خدا یا شریعت جدش رسول خدا به وجود آید؛ راه فراری از قانون خدا نشان دهد. شهادت او برای این نبوده که برنامه عملی اسلام و قانون قرآن را ضعیف سازد. برعکس، وی برای اقامه نماز و زکات و سایر مقررات اسلام از زندگی چشم پوشیده، به شهادت تن داد.» (مجموعه آثار، ج ۱، ص ۲۴۹)

**د) غیرعقلانی دانستن عزاداری**  
بعضی شیعیان عزاداری را مساله‌ای غیرعقلانی و عاشقانه می‌دانند که عقل و حتی قوه حق دخالت در آن را ندارد. تعبیری همچون مجنون حسین، مجنون رقیه و... گاهی اشاره به این تفکر دارند. این رویکرد موجب بروز رفتارها و عیوفیانه‌ها عزاداری‌ها می‌شود و جنب و جوش‌ها و حرکات رقص گونه صوفیان - که با اذکار و نام‌های الهی انجام می‌شود- اینجا با نام حسین (ع) به اجرا گذاشته می‌شود.